

طنز زنده و سر حال

حرف های جواد شمقدری و زمانی که اسکار به «جشنواره» بدل می شود

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : مهر ماه ۱۳۹۰

این یادداشت یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

*

*

کوچ اجباری این ستون ثابت هفتگی که پیشتر در همین صفحه و همین روزنامه می آمد، بار دیگر با همان عامل جبری از روزنامه «روزگار» که فعلاً در کما مانده، به جایگاه قبلی اش بازگشت. در حال و زمانه ای که به سر می بریم، کوچ کرده را همیشه بازگشتی نیست البته. ولی این بار، فعلاً، این شرایط فراهم شده و من هم می خواهم موقعیت حاصله را دودستی بچسبم و قاچ زین را محکم چنگ بزنم که اسب سواری پیشکشم!

مقصودم این است که قصد دارم در این نخستین ستون دوره جدید «میکروسکوپ خصوصی من» به جای تشخیص عارضه ها و آسیب های فرهنگی جاری و رایج زیر عدسی میکروسکوپ، به اتفاقی بسیار مفرح و اشاعه دهنده نشاط و شادمانی در میان اهالی فرهنگ و هنر و چه بسا تمامی آحاد جامعه پردازم و این بار خود و شما را از کسالت و عصبیت مباحث انتقادی برهانم.

ماجرای این قرار است که آقای جواد شمقدری معاون سینمایی وزارت ارشاد به تازگی انبوهی از پرسش های جماعت فرهنگی و بلکه رجل سیاسی دنیا را یک جا پاسخ گفته اند: نخست این که بخش عمده ای از روحیه مبارزاتی منجر به «بهار عربی» در کشورهای عربی نتیجه بیداری مردمان دو سرزمین مصر و تونس بوده؛ و خود آن بیداری به این دلیل حاصل شده که حکومت های ستمگر این دو کشور، از پخش سریال «یوسف پیامبر (ص)» برای مردم خود جلوگیری کرده بودند. این که آیا خریداری نکردن یک

مجموعه تلویزیونی توسط یک کشور مترادف با «مانعت» از پخش آن است، این که مگر داستان حضرت یوسف مشهور به احسن القصص قرآن هیچ گونه ویژگی انقلابی و اعتراضی دارد و احیاناً به عنوان داستانی برای بیداری و عصیان و برانگیختن شور ظلم ستیزی در مخاطب خود مشهور است یا نه، همه و همه از ظرافت های طنز سوررئالیستی معاونت هنرشناس به حساب می آیند.

اشاره دوم آن است که گفته اند «جشنواره» اسکار اهمیت چندانی ندارد و مانند یک جشنواره محلی و داخلی است که به جشن سینمای گچساران شباهت دارد. ایشان شرکت فیلم ها در این «جشنواره» غیربین المللی را منوط به دیده شدن از سوی «۳۰۰» عضو آکادمی در سراسر کشور آمریکا دانسته اند که همین موجب محرومیت اعضای این آکادمی از تماشای بسیاری فیلم های معتبر ایرانی سال می شود. باز این که آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا بیش از ۶۰۰۰ عضو دارد و نه ۳۰۰ عضو، این که اساساً مراسم اسکار جزو «جشنواره» های سینمایی نیست و یک مراسم یک شبه سالانه است و این که اهمیت و جریانسازی صنعت سینمای آمریکا در جهان چه نسبت مو به مویی با سینمای شهر گچساران دارد، از ظرافت های خیره کننده معاونت محترم در طنزازی و شناخت حرفه ای ایشان از مناسبات سینمای دنیا خبر می دهد. با این قریحه، باید هم فخر و ثمره طنزپردازی در سینمای این دوران، از جنس «اخراجی ها» باشد.